

نقش اجتماعی معلم در تربیت دانش آموزان

مهدی بابائی^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان ایلام

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش اجتماعی معلم در تعلیم و تربیت دانش آموزان است. این پژوهش به روش کیفی و توصیفی است که برای گردآوری و طبقه بندی اطلاعات آن به منابع مکتوب و مقالات معتبر در این زمینه مراجعه شده است. با توجه به گستردگی و پیشرفت در نظام آموزش و پرورش و نظام های اجتماعی، معلمان نیازمند توانایی های بالقوه ای هستند تا شرایط لازم را برای پرورش خلاقیت و بروز استعداد دانش آموزان در عرصه تعلیم و تربیت فراهم سازند. یکی از مهارت های مورد توجه معلمان، برخورداری از نقش اجتماعی مناسب است چراکه دانش آموزان بخشی از زمان روزانه خود را در مدرسه و در تعامل با معلمان سپری می کنند و رفتارهای اجتماعی معلم از بعد روانشناسی، اخلاق و ... بر کیفیت آموزش و یادگیری دانش آموزان تأثیر بسزایی دارد. در فرایند تعلیم و تربیت با توجه به نقش اجتماعی معلم، فقط انتقال معلومات و مهارت های معلمی نیست، بلکه تمام خلیات، آراستگی ظاهری، صفات و ... او به شاگردان منتقل می شود. ارتباط معلم - دانش آموز به عنوان منبع حمایت اجتماعی در یادگیری دانش آموزان نقش مهم و به پیامدهای حاصل از آموزش کمک می کند. بر اساس مطالب گفته شده لازم است که معلم به نقش اجتماعی خود که شامل ویژگی های عاطفی، اجتماعی و ... در امر تعلیم و تربیت است، نگاه ویژه ای داشته باشد.

واژه های کلیدی: نقش اجتماعی معلم، تعلیم و تربیت، دانش آموزان

۱. مقدمه

یکی از مهم ترین، پیچیده ترین و گسترده ترین نظام های اجتماعی، نظام آموزش و پرورش است که موضوع و محور اصلی فعالیت آن، انسان و تعلیم و تربیت اوست. امروزه کشورهای جهان سعی دارند با وضع قوانین آموزشی، اداری و مالی، زمینه را برای باسواد کردن مردم و اجباری کردن آموزش و پرورش در سطوح بالاتر تحصیلی مساعد سازند و با تأسیس یا گسترش مراکز تحقیقاتی، آموزش پیش دبستانی، متوسطه و آموزش عالی در مناطق شهری و روستایی مبادرت ورزند و از طریق آموزش و پرورش شرایط لازم را برای بروز استعدادها و پرورش خلاقیت و نوآفرینی در افراد مختلف جامعه پدیدآورند (صافی، ۱۳۹۸).

در یک دیدگاه کلان، آموزش و پرورش در کانون رشد فردی و اجتماعی جوامع قرار می گیرد و از این رو می توان گفت که پنین همبستگی اجتماعی، پیشرفت همه جانبه، توسعه پایدار، تعالی انسانیت و صلح، همگی به آموزش و پرورش وابسته است. اگرچه عناصر گوناگونی در کارکرد آموزش و پرورش مؤثرند لیکن معلم نقشی بی بدیل در این عرصه را بر عهده دارد. معلم از آن جهت کارگزار و عامل اصلی تعلیم و تربیت به شمار می آید که اهداف غایی و اجرایی نظام آموزشی در نهایت توسط وی محقق شده، به منصب ظهور می رسد (سرابی و مهران، ۱۳۹۵). آموزش نه تنها برای پیشرفت افراد بلکه برای پیشرفت جامعه نیز ضروری است (مهدوی راد و همکاران، ۱۳۹۸).

وضعیت تحصیلی می تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گیرد که یکی از این عوامل اثربخشی مدارس است (کووارسکی و همکاران، ۲۰۲۰). معلم و دانش آموز، حداقل یک چهارم از زمان روزانه خود را در مدرسه می گذرانند و برقراری ارتباط مؤثر بین آن ها باعث بهبود احساسشان نسبت به رویدادها و فرایندهای مرتبط با مدرسه و تحول کیفیت آموزش و یادگیری می شود (لاری و همکاران، ۱۳۹۸). تعامل مستمر و چهره به چهره معلم و دانش آموزان به عنوان دو قطب اصلی نظام تربیتی، معلم را در موقعیتی ممتاز و منحصر به فرد قرار می دهد که هیچ یک از دیگر عناصر نظام آموزشی از آن برخوردار نیستند. پس معلم مهم ترین مجری برنامه های درسی است که کنش های منطقی، روانشناسانه و اخلاقی او سه عنصر اصلی تدریس را شکل می دهند. کنش های منطقی شامل فعالیت هایی مانند توضیح دادن، تصحیح کردن، تفسیر کردن و ارزشیابی است. کنش های روان شناسانه شامل کارهایی مانند انگیزه دادن، ترغیب کردن، پاداش دادن و تنبیه کردن است و کنش های اخلاقی نیز ویژگی هایی مانند صداقت، شجاعت، بردباری، همدردی، احترام و انصاف را به نمایش می گذارد (اقدسی و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به آنچه ذکر شد حال پرسش این است که نقش اجتماعی معلم در تعلیم و تربیت دانش آموزان چگونه است؟

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی و توصیفی است، که برای گردآوری و طبقه بندی اطلاعات آن به منابع مکتوب و مقالات معتبر در این زمینه مراجعه شده است. جامعه پژوهش، شامل کلیه کتب، مقالات معتبر و ... بوده است. نمونه شامل مطالب مرتبط با موضوع مقاله است. در این پژوهش پس از مطالعه منابع، نقش اجتماعی معلم در تعلیم و تربیت دانش آموزان که فراوانی بیشتری در منابع مکتوب و مقالات داشت، استخراج گردید.

۳. یافته‌ها

در آغاز قرن بیست و یکم، به تعلیم و تربیت بیش از گذشت توجه شده است تا جوامع بشری بتوانند با ایجاد تحول و افزایش کارایی‌های و کفایت در این زیرمجموعه نظام‌های اجتماعی، با چالش‌های موجود به‌گونه‌ای سازنده روبرو شوند و برای عبور از آن‌ها بستری مناسب‌تر، کارسازتر و موجه‌تر در اختیار داشته باشند. به دیگر سخن، بشر امروز به‌خوبی دریافته است که تحول در آموزش و پرورش پیش‌نیازی است برای پاسخ‌گویی به چالش‌های علمی، صنعتی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی و دستیابی به توسعه پایدار، اولویت اول به معلم تعلق می‌گیرد. چون، کارگزار اصلی تعلیم و تربیت به حساب می‌آید و تحقق اهداف متعالی نظام و تربیت، در هر بعد و اندازه‌ای که باشد، با واسطه معلم صورت می‌پذیرد. آنچه دانش آموزان کسب می‌کنند، بیش از هر چیز، متأثر از خصوصیات، کیفیات و شایستگی‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی معلمان است. کافی است بر محورهایی که بر تغییر و تحول در نظام‌های تعلیم و تربیت در سطح ملی و بین‌المللی مطرح شده‌اند نگاهی، هرچند گذرا، داشته باشیم تا دریابیم بدون در نظر گرفتن جایگاه ویژه برای عنصر معلم، هیچ‌یک از خواسته‌ها تحقق نخواهد یافت (رؤف، ۱۳۷۹).

می‌توان گفت که معلمان در حفظ و توسعه‌ی فرهنگی، نقش و جایگاه مهمی دارند، علت آن در دو چیز است: ۱. اصولاً معلم، روان و روح عده‌ای کودک و نوجوان را در اختیار دارد؛ ۲. معلم، امانت‌داری است که فکر و روان انسان‌ها، امانت اوست. شرط امانت‌داری این است که معلم، ارزش‌های فرهنگی را در جان و دل آن‌ها بنشانند و آنان را نسبت به هویت فرهنگی خود، آگاه و حساس پرورش دهد. این کار، بالاترین و با شجاعت‌ترین تلاش برای حفظ فرهنگ است، چون فرهنگ در جان انسان‌ها است و آن‌هایی که می‌خواهند بر فرهنگ ملّتی تسلط یابند، جان و روح افراد آن ملّت را به سلطه درمی‌آورند؛ لذا معلم، حافظِ جان انسان‌ها است و مؤثرترین نقش را در حفظ فرهنگ و دفاع از ارزش‌های فرهنگی بر عهده دارد. پس این‌که شخصیت معلم، الگوی دانش آموزان است و نیز آنچه که در شخصیت معلم جلوه دارد، در وجود دانش‌آموز نیز جلوه‌گر می‌شود (حسینی مقدم، ۱۴۰۰).

معلم در فرهنگ معین، تعلیم‌دهنده و آموزنده، معنی شده است و در فرهنگ عمید، تعلیم‌دهنده، آموزاننده و آموزگار و در لغت‌نامه دهخدا نیز آموزنده، آموزاننده، تعلیم‌دهنده، آموزگار و شیخ معنی شده است. امروزه در نظام‌های آموزشی و پرورشی جهانی معلم به معنی خاص به کسی اطلاق می‌شود که واجد ویژگی‌ها و صلاحیت‌های مشخص بوده و حرفه و شغل او تعلیم است (اسدی گرما رودی و همکاران، ۲۰۱۵).

به‌طور کلی در فرایند تعلیم و تربیت آنچه متعلم انجام می‌دهد، تنها انتقال معلومات و مهارت‌های معلمی نیست، بلکه تمام صفات، خلقیات، حالات نفسانی و رفتار ظاهری او نیز به شاگردان منتقل می‌شود. رابطه دانش‌آموز با معلم یک رابطه باطنی و معنوی است. دانش‌آموز، معلم را شخصیتی محترم و ممتاز می‌داند که او را در بزرگ شدن و به استقلال و آزادی رسیدن و به عضویت رسمی جامعه درآمدن کمک و مساعدت می‌نماید. معلم باروح و جان دانش‌آموز سروکار دارد و به همین جهت به‌عنوان یک الگوی محبوب و مطاع پذیرفته می‌شود. تعلیم و تربیت را همان توانایی معلم درباره قابلیت‌های او برای سازمان‌دهی و اجرای راهبردهای اجرایی لازم برای ارائه موفقیت‌آمیز یک تدریس به‌ویژه در شرایط و موقعیت‌های خاص دانسته‌اند (کریمی آفکند، ۱۴۰۱). معلم باید از لحاظ آراستگی بسیار تمیز و منظم باشد تا دانش آموزان به کلاس درس وی علاقه‌مند بوده و الگویی برای شاگردان اش باشد (بیلر، ۱۳۷۱). دانش آموزان در این برهه‌ی حساس زمانی بسیار به ارزشیابی و نظر معلم راجع به خود اهمیت می‌دهند. معلم باید به همه‌ی دانش آموزان به یک اندازه اهمیت دهد. شاگرد مطلوب و ضعیف را مانند هم ببینند و به‌گونه‌ای نباشد که معلم در اثر بها دادن بسیار به شاگردان قوی‌تر موجب افزایش کینه‌توزی شاگردان ضعیف نسبت به خود و شاگردان قوی‌تر شوند و احساس حقارت و ناتوانی را در آن‌ها به وجود بیاورند (سرمد، ۱۳۷۴).

در میان مؤسسات اجتماعی، مؤسسات تربیتی نقش خاص به عهده‌دارند و مدرسه یک موسسه اجتماعی است که برای اجرای امور تربیتی جامعه به وجود آمده است. امور تربیتی برای ادامه حیات اجتماعی جامعه، حفظ و وحدت آن،

اصلاح و پیشرفت آن، انتقال و توسعه ارزش ها و اعتقادات آن جامعه و تأمین احتیاجات اجتماعی آن ضروری و لازم هستند. تحول مؤسسات تربیتی وظایف تازه ای برای مربیان به وجود می آورد. در گذشته کار معلم تدریس و انتقال مطالب درسی تلقی می شد و درک معلم از تعلیم و تربیت جز همین امر چیزی دیگر نبود. شخصیت شاگرد، مسائل زندگی و احتیاجات اجتماعی او مورد توجه مربی واقع نمی شد. معلم جز تحکم کاری نمی کرد. رابطه او با شاگرد مثل رابطه حاکم با مأمور و محکوم بود. ولی امروز تعلیم و تربیت مفهوم خاص دارد. معلم نقش یک راهنما را به عهده دارد و مانند یک شاگرد عضو گروه کلاس محسوب می شود. آنچه مهم است شخصیت شاگرد، مسائل وی، احتیاجات او و انتظارات جامعه از او است (شریعتمداری، ۱۳۹۲).

دیدگاه انسان شناسی معلم، در کلیه ی امور آموزش و پرورش او تأثیر می کند و تصمیم گیری ها و برخوردهای او را در نظر خودش، موجه جلوه می دهد. انسان در نظام فکری اسلام، به اندازه ای قدر و منزلت دارد که همه چیز در خدمت اوست و همه ی ابعاد زندگی، برای رشد و کمال او سازمان دهی شده است. انسان خداجوست، متفکر است، حقیقت طلب است و... که این شناخت از انسان، در موضع تربیتی معلم تأثیر دارد (حسینی مقدم، ۱۴۰۰).

ارتباط معلم- دانش آموز یک منبع مهم حمایت اجتماعی است (اردلان و حسین چاری، ۱۳۹۰؛ اوکانر و همکاران؛ ۲۰۱۱)، که در یادگیری دانش آموزان نقش محوری دارد و به عنوان جنبه اصلی حرفه تدریس به پیامدهای آموزشی کمک می کند (روردا و همکاران؛ ۲۰۱۱). با وجود مطالعات متعددی که به اهمیت «ارتباط معلم-دانش آموز» در موفقیت تحصیلی و رشد اجتماعی-عاطفی دانش آموزان اشاره کرده اند، این عرصه همچنان برای مطالعه حوزه های مهم محسوب می شود که به بررسی بیشتری نیاز دارد (برنشتاین یا مشیرو و نوام؛ ۲۰۱۳)، علت این است که پژوهش های گذشته بیش تر تأثیر «ارتباط معلم با دانش آموزان» را در سنین اولیه تحصیلی مثل پیش دبستانی و دبستان مطالعه کرده اند (بیکر؛ ۲۰۰۶؛ تاپس و همکاران؛ ۲۰۰۸).

در این صورت، صلاحیت معلم در امر تعلیم و تربیت از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا عقل و جان زیبا، حاصل کار معلم است. اوست که اگر صلاحیت داشته باشد، می تواند شاکله ی افراد را طوری بسازد که لباس، چهره، مقام و علم آن ها همه، نشانه و نردبان رشد و کمال باشد و اگر صلاحیت نداشته باشد، با شاکله کاری می کند که هر چیزی به آن اضافه می شود به زشتی او می افزاید و او را از مسیر رشد و کمال بیشتر، دور می کند (میرزایی، ۲۰۱۴).

صلاحیت معلمی، مجموعه شناخت ها، گرایش ها و مهارت هایی است که معلم با کسب آن ها می تواند در جریان تعلیم و تربیت به پرورش جسمی، عقلی، عاطفی، اجتماعی و معنوی فراگیران کمک کند. و صلاحیت های معلمی را می توان در سه حیطه صلاحیت های شناختی، صلاحیت های عاطفی صلاحیت های مهارتی طبقه بندی نمود. منظور از صلاحیت های شناختی، مجموعه آگاهی ها و مهارت های ذهنی است که معلم را در شناخت و تحلیل مسائل و موضوعات مرتبط با تعلیم و تربیت توانا می سازد. صلاحیت های عاطفی، مجموعه گرایش ها و علائق معلم نسبت به مسائل و موضوعات مرتبط با تعلیم و تربیت است و صلاحیت های مهارتی به مهارت ها و توانایی های علمی معلم در فرایند یادگیری مرتبط می شود. از مجموعه صلاحیت های سه گانه، صلاحیت تأثیرگذاری بر دانش آموز حاصل می شود (ملکی، ۱۳۸۴).

می توان گفت که برای ارتقای منزلت اجتماعی معلمان یک راه اساسی و چندین راه فرعی وجود دارد. بدون شک راه اصلی توجه و اهمیت دادن به مسئله منابع انسان و اولویت دادن به مفهوم سرمایه انسانی و سرمایه گذاری در تعلیم و

^۱O'Conner et al

^۲Roorda et al

^۳Bernestein Yamshiro & Noam

^۴Baker

^۵Thijs et al

تربیت است. سرمایه انسانی یک مفهوم کاملاً اقتصادی است. در حقیقت خصوصیات کیفی انسان نوعی سرمایه است. زیرا این خصوصیات در پرتو آموزش، توانایی های انسان را توسعه می بخشد و می تواند به صورت منبع درآمدهای بیشتر، و یا رضایت خاطر فراوان تر در آینده در آید. چنین سرمایه ای « انسانی » است، چراکه جزئی از اجزاء انسان را تشکیل می دهد، با وی رشد می کند و با او از میان می رود. سرمایه انسانی به صورت کنونی در تاریخ اقتصادی ناشناخته مانده، زیرا در تقسیم بندی سه گانه عوامل تولید، جایی برای سرمایه انسانی در نظر گرفته نشده است (شریعتمداری، ۱۳۹۲).

بازسازان اجتماعی بر این باورند که معلمان باید برای آمادگی، نیرومندی، روشننگری و رویه اجتماعی، رهبری، آمادگی و صلاحیت برای چالش با قدرت تمایلات خود پسندانه و با دفاع کردن از انگیزه توده مردم واجد شرایط باشند. این هم بدان معنی که معلمان باید افرادی باشند که در تب و تاب در جهت آگاهی از بی عدالتی و تصمیم به تصحیح آن باشند. و این که معلمان باید به شکل سنجیده ای به قدرت و آنگاه بیشترین قدرت نائل شوند و این که معلمان باید بیش از آن که پیروان باشند، باید رهبران باشند. بازسازی توسط تعلیم و تربیت؛ تعلیم و تربیت در بسیاری از موقعیت هایی رخ می دهد که شامل خانواده، انجمن و مدرسه می شود. بازسازان اجتماعی می خواستند تعلیم و تربیت که در همه این موقعیت ها رخ می دهد را تحت تأثیر قرار دهند و باور کنند که شغل مربیان انجام دادن آن است. اگرچه آن در مدرسه یعنی، جایی که مربیان تلاش های خود را در آن متمرکز می نمایند، خواه که مدرسه در ساختمان مدرسه، خانه، کارخانه یا پارک واقع شده باشد (عماد زاده، ۱۳۸۲).

۴. نتیجه گیری

تعلیم و تربیت فرزندان امروز و فردا به معلمانی با انگیزه و کارآمد نیاز دارد. نقش معلم در توسعه پایدار به خوبی مشخص و با فراهم آوردن شرایط مناسب، منزلت اجتماعی بالایی را برای این حرفه باید در نظر گرفت (علیزاده و رضایی، ۱۳۸۸). کلم و کانل^۱ (۲۰۰۴) در تحقیق خود نشان دادند که کیفیت ارتباط معلم-دانش آموز برای درک درگیری تحصیلی دانش آموزان با مدرسه ضروری است. در تبیین این نقش می توان گفت تعامل معلم-دانش آموز یک زمینه حمایتی برای دانش آموزان فراهم می کند تا آن ها به کلاس و تحصیل علاقه مند شوند و خود را درگیر فعالیت های کلاسی احساس کنند (وانگ و اکلس^۲، ۲۰۱۳).

از نظر استرانگ^۳ (۲۰۰۲) بخش گرایش شایستگی های معلمان اثربخش مربوط به ویژگی هایی است که معلم در اختیار دارد. او معتقد است که ویژگی های عاطفی یا رفتارهای احساسی و اجتماعی معلم، بیش از روش تعلیم و تربیت او مؤثر و مفید می باشد. بنابراین معلم باید از لحاظ شخصیت آن چنان باشد که دانش آموزان او را به عنوان یک رهبر و راهنمای مطلع، مهربان و صدیق بپذیرند و الگوی رفتاری خویش قرار دهند بدیهی است که معلم زمانی می تواند به رسالت آموزشی خود عمل نماید و انتظارات اجتماعی را برآورده سازد که از ویژگی های مکفی و لازم برخوردار باشد (زابلی و همکاران، ۱۳۹۳).

^۱Klem & Connell

^۲Wang & Eccles

^۳Stronge

منابع

- اردلان، الهام و حسین چاری، مسعود (۱۳۹۰). پیشبینی سازگاری تحصیلی بر اساس مهارت های ارتباطی با واسطه باورهای خودکارآمدی. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۶(۹)، ۱-۲۸.
- اقدسی، سمانه؛ کیامنش، علیرضا؛ مهدوی هزاوه، منصوره و صفرخانی، مریم؛ تعامل معلم - دانش آموز در کلاس درس مدارس موفق و ناموفق: مطالعه ی موردی از مدارس ابتدایی شرکت کننده در آزمون پرلز ۲۰۰۶ و تیمز ۲۰۰۷، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۱۹، پاییز ۱۳۹۳، ۱۲۰-۹۳.
- حسینی مقدم، معصومه السادات (۱۴۰۰). بررسی جایگاه معلم در شکل گیری تربیت اسلامی دانش آموزان، فصلنامه پیشرفتهای نوین در مدیریت آموزشی، شماره ۶، صفحات ۸۶-۷۵.
- بیلر، رابرت (۱۳۷۱). کاربرد روان شناسی در آموزش، جلد اول، ترجمه پروین کدیور.
- رؤوف، علی (۱۳۷۹). جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت واحد انتشارات.
- زابلی، روح اله؛ مالمون، زینب و حسنی، مهدی (۱۳۹۳). ارتباط بین عوامل مؤثر بر کیفیت تدریس اساتید: مدل یابی معادلات ساختاری. دوماهنامه علمی - پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۷(۵)، ۳۲۱-۳۱۵.
- سرابی، مرضیه و مهران، گلنار (۱۳۹۵). ویژگی های معلم موفق از دیدگاه دانش آموزان، چهاردمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران.
- سرمد، غلامعلی (۱۳۷۴). روش های تدریس و هنر معلمی، قم، اشراق، چاپ اول.
- شریعتمداری، علی (۱۳۹۲). جامعه و تعلیم و تربیت، چاپ بیست و چهارم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- صافی، احمد (۱۳۹۸). سازمان و مدیریت در آموزش و پرورش. ویراست پنجم، تهران. انتشارات ارسباران.
- علیزاده، ابراهیم؛ رضایی، علی محمد (۱۳۸۸). بررسی منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) و تغییرات آن در طول سه دهه گذشته. فصلنامه نوآوریهای آموزشی، ۸(۲۹)، ۲۶-۷.
- عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۲). اقتصاد و آموزش و پرورش، انتشارات واحد جهاد دانشگاهی، اصفهان.
- کریمی آقکند، حمیدرضا (۱۴۰۱). بررسی نقش تعلیم و تربیت معلم بر افکار دانش آموزان، پنجمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی، تهران.
- لاری، نرجس؛ حجازی، الهه؛ اژه ای، جواد و جوکار، بهرام (۱۳۹۸). ادراک معلمان از عوامل مؤثر بر ارتباط معلم - دانش آموز: تحلیل پدیدارشناسی، ۷(۱۸)، ۸۰-۵۳.
- ملکی، حسن (۱۳۸۴). صلاحیت های حرفه معلمی. تهران، انتشارات مدرسه.
- مهدوی راد، حجت؛ فرزاد، ولی الله و کوشکی، شیرین (۱۳۹۸). تبیین مدل عملکرد تحصیلی، اهداف پیشرفت، خودکارآمدی تحصیلی با میانجی گری درگیری تحصیلی در دانش آموزان متوسطه دوم. پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۷(۲۷)، ۳۶-۲۳.

Asadi Garmaroodi, Asadullah; Sharifzadeh, Ali, under the supervision of Hamid Reza Haji Babaei., (2015). Farhangian University, the pinnacle of the fundamental transformation of education (establishment realism), first edition, Tehran, Borhan Cultural Institute (Madrassa Publications).

Baker, J. A. (2006). Contributions of teacher-child relationships to positive school adjustment during elementary school. Journal of School Psychology, 44(3), 211-229.

Bernstein-Yamshiro, B., & Noam, G. (2013). Teacher-student relationships: A growing field of study. New Directions for Youth Development, 137, 15-26.

Kovarski, C., Portalier, S., Faucher, C., Carlu, C., Bremond-Gignac, D., & Orssaud, C. (2020). Effects of visual disorders on the academic achievement of French secondary school students. Archives de Pédiatrie, 27(8), 436-441.

Klem, A. M., & Connell, J. P. (2004). Relationships matter: Linking teacher support to student engagement and achievement. *Journal of School Health*, 74(1), 262-273.

Mirzaei, Mehdi Mohammad. (2014). A Study of Barriers to Islamic Education in Primary Schools in District 3 of Qom Province Academic Year 2015-2015, Master Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.

O'Conner, E. E., Dearing, E., & Collins, B. A. (2011). Teacher-child relationship and behavior problem trajectories in elementary school. *American Educational Research Journal*, 20(10), 1-41.

Roorda, D. L., Koomen, H. M. Y., Spilt, J. L., & Oort, F. J. (2011). The influence of affective teacher-student engagement and achievement: A meta-analytic approach. *Review of Educational Research*, 81, 433- 529.

Stronge, J. H. (2002). Qualities of effective teachers. Alexandria, VA: Association for supervision and curriculum Development.

Thijs, J. T., Kooman, H. M.Y., & Leij, A. V. D. (2008). Teacher-child relationships and pedagogical practices: Considering the teacher's perspective. *School Psychology Review*, 37(2), 244-260.

Wang, M. T., & Eccles, J. S. (2013). School context, achievement motivation, and academic engagement: A longitudinal study of school engagement using multidimensional perspective. *Learning and Instruction*, 28, 12-23.